



## علامه جعفری، علم و دین و فلسفه را ارکان حیات معقول می‌دانست

گلشنی، استاد فلسفه علم و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در افتتاحیه سومین کنگره بین‌المللی امام‌علی(ع) پژوهی به سخنرانی درباره فضائل علمی و تبیین آرای علامه جعفری پرداخت.

گلشنی، استاد فلسفه علم و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در افتتاحیه سومین کنگره بین‌المللی امام‌علی(ع) پژوهی به سخنرانی درباره فضائل علمی و تبیین آرای علامه جعفری پرداخت.

به گزارش خبرنگار مهر، مراسم افتتاحیه سومین کنگره بین‌المللی امام‌علی(ع) پژوهی، صبح امروز در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این مراسم مهدی گلشنی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره جایگاه علمی علامه محمدتقی جعفری سخنرانی کرد و گفت: استاد جعفری از نوادر عصر ما بود. ایشان جامع معقول و منقول و آزاد اندیش و به قول مقام معظم رهبری، علامه ذوالفنون و از نظر اخلاقی فردی کم نظیر بودند و توده مردم بیش از نخبگان حوزوی و دانشگاهی به علامه انس داشتند. ایشان در عرصه‌های زیادی وارد شدند که چون این مجلس بخشی از همایش صلح و امام‌علی(ع) است، من ابتدا اشاره‌ای به کارهای علامه در مورد امیرالمؤمنین(ع) می‌کنم و سپس به برخی از خصوصیات نادر ایشان می‌پردازم.

گلشنی افزود: استاد جعفری شرحی مفصل بر نهج البلاغه نوشتند که در ۲۷ جلد چاپ شد و اخیراً مختصر شده آن توسط جناب آقای دکتر عبدالله نصری در ۱۰ جلد به چاپ رسید. همچنین علامه کتابی تحت عنوان «حکمت و اصول سیاسی اسلام» در تفسیر فرمان امام‌علی(ع) به مالک اشتر نوشتند که در آن امام نصیحتی در مورد صلح با دشمن به مالک می‌کنند و او را از ریختن خونها بدون مجوز شرعی برحذر می‌دارند. در این کتاب مقایسه‌ای میان فرمان امام به مالک اشتر و اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌کنند و صفات مطلوبی را که یک زمامدار اسلامی باید واجد آنها باشد به تفصیل بر می‌شمرند و منافع صلح را بیان می‌کنند. علامه همچنین کتابی تحت عنوان «مقدمه‌ای بر اعلامیه حقوق بشر از دیدگاه اسلام» دارند.

علامه جعفری از پیشگامان وحدت حوزه و دانشگاه بود

این استاد فلسفه علم تصریح کرد: علامه جعفری از پیشگامان وحدت حوزه و دانشگاه بودند. ایشان قبل از انقلاب و بعد از انقلاب جلسات مرتبی با دانشگاهیان و افاضل دانشگاهی، از جمله مرحوم دکتر حسابی، مرحوم دکتر هشتروندی و دکتر فضل‌الله رضا داشتند که در آنها مسائل فلسفی علوم مطرح بود. ایشان در میان علمای کشورمان بیشترین رفت و آمد را با دانشگاهیان داشتند و بسیار مورد علاقه اساتید و دانشجویان مسلمان بودند. اگر این گونه برخورد با دانشگاهیان از طرف حوزویان ادامه یافته بود، این گونه شاهد جدائی دانشگاهیان از حوزویان نمی‌بودیم و حوزه بیشتر به اقتضات زمان توجه می‌کرد.

تعاملات علمی علامه جعفری با دانشمندان غربی

وی افزود: علاوه بر این علامه مکاتبات و ملاقاتهای زیادی با دانشمندان غرب و مسلمان داشتند که در آنها انواع و اقسام مسائل علمی و فلسفی مطرح بود. من خود شاهد ملاقات ایشان با پروفیسور عبدالسلام در تهران بودم. در آن جلسه ایشان برخی مسائل فلسفی چالش برانگیز فیزیک معاصر را مطرح کردند و نظر مرحوم عبدالسلام را در مورد آن پرسیدند و برخی مکاتبات خود با راسل را برای او مطرح کردند. ایشان با دانشمندان برجسته‌ای نظیر برتراند راسل و روزه گارودی مکاتبه داشتند. علامه در بعضی کنفرانسهای خارجی هم شرکت کردند. از جمله: کنفرانس علم و مذهب در سوییس، سمپوزیوم مقایسه فلسفه شرق و غرب در انگلستان و سمینار حقوق جهانی بشر در فیلیپین که در آن سخنرانی هم کردند. این گونه تعاملات، ایشان را در معرض افکار مطرح در جهان قرار می‌داد.

علامه جعفری فراگرفتن علوم جدید را جزو ضروریات می‌دانست

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: علامه جعفری از همان ابتدای تحصیل شان در نجف دغدغه آگاهی از

مسائل مطرح در دوره معاصر را داشتند، لذا در نجف اشرف به هنگام تحصیل به مرجع عالیقدر سید عبدالله شیرازی ضرورت پرداختن به فلسفه و علوم انسانی جدید را که به دانشگاهها سرازیر شده متذکر شدند. همچنین متذکر شدند که لازم است حوزه های علمیه به مسائل روز توجه کنند و به مسائل مستحدثه در فقه توجه داشته باشند و به تخصصی شدن ابواب فقه هم توجه کنند، لذا خودشان به این امور پرداختند.

مهدی گلشنی افزود: ایشان در اوائل دهه ۱۳۳۰ از نجف به ایران بازگشتند و در همان اوائل بازگشت کتاب «ارتباط انسان و جهان» را در ۳ جلد منتشر کردند؛ کتابی که مملو از افکار فلاسفه و عالمان غربی بود. علامه فراگرفتن علوم جدید را جزو ضروریات می دانستند و به دست آوردن اطلاعات لازم برای رفع نیازهای جهان اسلام را لازم می دانستند. همچنین معتقد بودند مطالعه طبیعت یک وظیفه دینی است.

همچنان تفکر پوزیتیویستی بر اذهان غالب عالمان ما حاکم است

گلشنی گفت: بر علوم تجربی معاصر یک تفکر پوزیتیویستی حاکم است که بر طبق آن فقط یافته های مبتنی بر حواس شان دارند و بنابر این جایی برای متافیزیک و خدا نیست. این تفکر از قرن نوزدهم حاکم گشت و تا نیمه اول قرن بیستم حاکم بود و هنوز هم در غرب و جهان اسلام تعداد زیادی از عالمان پیرو آن هستند، اما در دهه های اخیر برخی از بزرگان علم از آن برگشته اند و حتی آن را مضر برای پیشرفت علم می دانند. ولی این نسیم مثبت متاسفانه هنوز به محیط ما نرسیده است و همچنان تفکر پوزیتیویستی بر اذهان غالب عالمان ما حاکم است، اما علامه خطر این تفکر را متذکر شدند و جزو اولین عالمانی بودند که صریحاً در مورد آن روشنگری کردند.

نقش مهم اصول فلسفی در علوم تجربی

این استاد فلسفه علم اظهار داشت: بعد از حاکم شدن تفکر پوزیتیویستی بر محیط های علمی، عالمان فلسفه را کنار گذاشتند و گاهی خصمانه به آن نگاه کردند، نگاهی که حتی الان در محیط های علمی ما حاکم است، اما بعد از آنکه معلوم شد عالمان چه بخواهند و چه نخواهند، دانسته ندانسته بعضی اصول فلسفی را در علم شان به کار می برند، نزد نخبگان ورق برگشته است و در بعضی دانشگاه های مهم جهان، نظیر ییل و کرنل در آمریکا و کمبریج و آکسفورد در انگلیس مجامعی از عالمان و فیلسوفان تشکیل شده است که مشترکاً به مسائل بنیادی فیزیک و کیهان شناسی بپردازند. علامه بیش از نیم قرن پیش به نقش مهم اصول فلسفی در علوم تجربی توجه کردند و در بعضی از نوشتارهایشان وارد در بحث بعضی از مسائل مهم فلسفی علوم و چالشهای آنها که بعضاً متعرض دین بودند شدند و مشکلات آنها را بر ملا ساختند.

علم و دین و فلسفه؛ ارکان حیات معقول

وی در پایان گفت: ایشان توجه داشت که علم پاسخگوی سؤالات بنیادی انسان نیست و سؤالاتی از قبیل اینکه انسان بداند از کجا آمده است، به کجا خواهد رفت و رسالت او در این جهان چیست را راه رسیدن به حیات معقول می دانستند که در آن علم و دین و فلسفه جمع می شوند. ایشان علم و دین و فلسفه را ارکان حیات معقول نامیدند. از نظر علامه تنها یک جهان بینی جامع نگر می تواند پاسخگو باشد و این دین است که با ارائه یک جهان بینی جامع نگر ما را یاری می دهد. ایشان متذکر شدند که علم نمی تواند حتی به برخی از سؤالات مطرح در خود علم پاسخگو باشد، مثلاً چرا ما جهان را می فهمیم. لذا جان بارو، فیزیکدان برجسته انگلیسی و استاد دانشگاه کمبریج، می گوید: «ایده یک جهان قانون مند، با نظمی که قابل فهم و اتکاء است، صرفاً از اعتقادات دینی در باره سرشت خداوند نشأت می گیرد.» علامه در جهت نشان دادن محدودیت های علم در شناخت واقعیات، سؤالات زیادی را مطرح کردند، که انتظار نداریم علم تجربی پاسخگوی آنها باشد. به طور خلاصه، علامه ذوالفقون استاد محمد تقی جعفری عالمی بودند آگاه به مقتضیات زمان و پیشرو در وحدت حوزه و دانشگاه که به هر سه حوزه علم و دین و فلسفه توجه داشتند و آنها را وسیله رساندن انسان به یک حیات معقول می دانستند.